

مفهوم و آثار بطلان نسبی

سعید محسنی*

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و

اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

سید محمد مهدی قبولی درافشان

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و

اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

بطلان نسبی یکی از ضمانت‌های اجرایی نقض قواعد مربوط به تشکیل قراردادهاست که در نظام حقوقی فرانسه به عنوان یک نهاد حقوقی شناخته شده مطرح است. بطلان نسبی وضعیتی است که قانون‌گذار برای نقض قواعد مربوط به حمایت از شخص یا اشخاص معینی در نظر گرفته و به همین جهت سرنوشت عقد را فقط در اختیار ایشان قرار داده و تا زمانی که ذی‌نفع تعرضی نسبت به قرارداد ننماید، قرارداد صحیح بوده و تمام آثار خود را بر جای می‌گذارد. اما اگر ابطال قرارداد به درخواست ذی‌نفع (در مهلت مقرر) از سوی دادگاه تأیید شود، اصولاً جز در موارد استثنائی، قرارداد از ابتدا باطل گشته و آثار خود را از دست می‌دهد. در حقوق سنتی ایران، چنین مفهومی وجود ندارد و فقط در برخی متون برگرفته از حقوق غربی به صورت موردی با آن برخورد می‌کنیم. به همین جهت مفهوم مزبور در نظام حقوقی ایران نامأنوس بوده، ابهاماتی در بردارد. شناخت دقیق آن مستلزم بحثی مستقل و مبسوط است و این مهم جز با توجه به خاستگاه آن میسر نیست. به همین جهت در این جستار درصددیم تا مفهوم نهاد مزبور را ضمن مقایسه با مفاهیم مشابه تبیین نموده و با بیان آثار این نهاد، زمینه شناخت دقیق آن را فراهم کنیم.

*- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی شماره ۱۷۰۲۷/۲ است که با حمایت مالی دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده و بدین وسیله از معاونت محترم پژوهشی دانشکده علوم اداری و اقتصاد و معاونت محترم پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد تشکر می‌شود.

dr.s.mohseni@gmail.com

*- (نویسنده مسؤول):

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۴/۶

واژه های کلیدی: بطلان نسبی، بطلان مطلق، قرارداد، عطف به ماسبق شدن، ابطال.

طبقه بندی JEL: K۱۲, K۲۰, K۲۹

The Concept and Effects of Relative Nullity

Saeed Mohseni

Assistant Professor of Law, Ferdowsi University of Mashhad

Mohammad mahdi Ghabooli dorafshan

Assistant Professor of Law, Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

Relative nullity is one of the sanctions against violating the rules of establishing the contract and is regarded as a known legal entity in the law of France. It is a situation that the legislator has considered in case of violating the rules supporting given party or parties. Hence, he gave them authority to decide about the contract themselves and as far as the beneficial party does not have any protests to the contract, the contract is correct and has its legal effects. However, if the annulment of the contract (on the due date) is assigned to the court at the request of the beneficial party; the contract, except in exceptional cases, has to be annulled from the very beginning to terminate its legal effects. Such a concept does not exist in the traditional law of Iran and we just come to see it in some texts, which are taken from western law. Owing to this fact, the said concept is unfamiliar and ambiguous in the law of Iran and exact understanding of this concept requires an independent and detailed discussion. This important task is not possible except through considering its origin. For this reason, in the present paper, we seek to clarify the definition and meaning of this entity via comparing it with similar concepts and providing the conditions for gaining an exact and deep understanding of it.

Key words: Relative Nullity, Absolute Nullity, Contract, Retrospective, Annulment

JEL: K۱۲, K۲۰, K۲۹

مقدمه

قواعد عمومی قراردادها به جهت قلمرو و کاربرد گسترده آن، اهمیت فراوانی دارد. به همین جهت بزرگان و اندیشمندان حقوق مدنی با استفاده از دست مایه عظیم حاصل از پژوهش های ارزشمند فقیهان محقق و دستاوردهای حقوق دانان غربی به ویژه حقوقدانان نظام های رومی

ژرمنی، آثار درخشانی پدید آورده‌اند. پرواضح است تحقیقاتی که با هدف غنی‌تر نمودن مباحث مزبور و پرکردن خلأهای موجود انجام می‌یابد، از اهمیت و ارزش زیادی برخوردار است. عقد قرار داد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسباب تملک، ایجاد، انتقال و سقوط حق یا تعهد، تابع وجود و تحقق شرایط متعددی است و قانون‌گذاران برای کنترل تحقق شرایط مزبور و جلوگیری از نقض قواعد حقوقی به دو نوع اقدام دست می‌یازند. برخی اقدامات پیش‌گیرانه همچون نظارت مأمور رسمی است و برخی اقدامات نیز در قالب ضمانت‌اجرائی نقض قواعد مزبور جلوه می‌کند. از این قبیل است ضمانت اجرای بطلان که در برخی نظام‌های حقوقی انواع مختلفی دارد و به بطلان مطلق و بطلان نسبی تقسیم می‌شود. بطلان مطلق، مفهومی شناخته‌شده در حقوق ایران می‌باشد؛ در حالی که بطلان نسبی در حقوق سنتی ایران مفهومی نامأنوس بوده و فقط گاهی در قوانین برگرفته از حقوق غربی از جمله مقررات حقوق تجارت مورد استفاده قرار گرفته‌است. برای دستیابی به شناختی روشن از این مفهوم ضروری است با توجه به خاستگاه نهاد مزبور، آن را از مفاهیم مشابه متمایز نموده و آثارش را مورد بررسی قرار دهیم. بدین منظور نخست به بررسی مفهوم بطلان نسبی در حقوق فرانسه و مقایسه آن با مفاهیم مشابه می‌پردازیم (گفتار نخست) و سپس به بررسی آثار ضمانت‌اجرائی مزبور خواهیم پرداخت. (گفتار دوم)

گفتار نخست: مفهوم بطلان نسبی و مقایسه آن با مفاهیم مشابه

با توجه به این که بطلان نسبی یکی از ضمانت‌های اجراهای عدم رعایت شرایط قانونی برای عقد می‌باشد و از آن جایی که در عالم حقوق قراردادها مفاهیم مشابه دیگری با کارکردهای مختلف وجود دارد، شایسته‌است ابتدا مفهوم بطلان نسبی را با توجه به عناصر تشکیل‌دهنده آن، تبیین و سپس وجوه اشتراک و افتراق آن را با سایر مفاهیم مشابه مشخص نماییم.

بطلان نسبی

بطلان نسبی، وضعیتی است که قانون‌گذار برای نقض قواعد مربوط به حمایت از شخص یا اشخاص معینی در نظر گرفته و به همین جهت سرنوشت عقد را فقط در اختیار ایشان قرار داده و تا زمانی که ذی‌نفع تعرضی نسبت به قرارداد ننماید، قرارداد صحیح بوده و تمام آثار خود را بر جای

می‌گذارد. اما اگر ابطال قرارداد به درخواست ذی‌نفع (در مهلت مقرر) از سوی دادگاه تأیید شود، اصولاً جز در موارد استثنائی، قرارداد از ابتدا باطل گشته و آثار خود را از دست می‌دهد.

چنان که ملاحظه می‌شود، تعریف بطلان نسبی دارای عناصر متعددی است. بطلان نسبی ضمانت اجرایی قواعد حمایتی است که عمدتاً در صدد حمایت از منافع خصوصی یکی از دو طرف قرارداد و بعضاً حمایت از منافع خصوصی هر دو طرف یا حتی شخص ثالث می‌باشد. در نتیجه، طبیعی است که فقط اشخاص مورد حمایت، حق استناد به این نوع بطلان را دارند. البته اختیار ایشان از جهت زمانی نامحدود نیست و طبق ماده ۱۳۰۴ اصلاحی قانون مدنی فرانسه، اصولاً با گذشت پنج سال^۱ و بعضاً مدت کمتری^۲ مشمول مرور زمان می‌شود. علاوه بر این، ذی‌نفع می‌تواند به‌اختیار از حق مزبور چشم‌پوشی نماید. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های بطلان نسبی، نیازمندی به حکم دادگاه است که در این خصوص، هیچ تردیدی در حقوق فرانسه وجود ندارد. (Marty & Raynaud, ۱۹۸۵, p. ۳۰۰; Mazeauds & Chabas, ۱۹۸۵, p. ۲۲۲; ۱۹۸۸) اما اختلاف درباره خصیصه اعلامی یا تأسیسی بودن حکم دادگاه است. برخی از صاحب نظران حقوق فرانسه (Flour, Aubert, & ۲۴۳, p. ۲۰۰۲, Savaux) با تکیه بر دو نکته، اعتقاد به اعلامی بودن تمام آرای بطلان دارند. از طرفی، نقض قواعد عقد قرارداد در زمان انعقاد قرارداد رخ داده و از این جهت، بطلان مبتنی بر واقعه‌ای مربوط به گذشته است. از طرف دیگر اثر عطف به ماسبق شونده بطلان با اعلامی بودن رأی دادگاه سازگاری بیشتری دارد. برخی از استادان حقوق ایران (Shahidi, ۲۰۰۲, pp. ۶۴, & s) نیز همین عقیده را با بیانی دیگر تأیید نموده‌اند. به اعتقاد ایشان، بطلان نسبی که برای حمایت از اشخاص معین مقرر شده، با اعلام بطلان توسط ایشان یا نماینده قانونی آنها در عالم اعتبار محقق می‌گردد و زمان وقوع بطلان، زمان صدور رأی دادگاه نیست؛ بلکه در بطلان نسبی زمان وقوع بطلان، هنگام اعلام آن به وسیله شخص مورد حمایت قانون یا نماینده قانونی وی می‌باشد. به اعتقاد ایشان، کسانی که رأی دادگاه را تأسیسی می‌دانند، میان مرحله ثبوت و مرحله اثبات خلط

۱- لازم به ذکر است که مدت مرور زمان مزبور قبل از اصلاحات قانون مدنی فرانسه در سوم ژانویه ۱۹۶۸، ده سال بوده است.

۲- به عنوان نمونه ماده ۱۶۷۶ قانون مدنی فرانسه در مورد دعوای غبن در بیع غیر منقول که ضمانت اجرای آن بطلان نسبی است، مرور زمان دو ساله را پیش بینی نموده است.

نموده‌اند. البته باید توجه داشت که به موجب نظریه اخیر، اعلام بطلان توسط ذی نفع، شرط لازم برای تحقق بطلان نسبی است و از این زمان است که قرارداد باطل گشته (مرحله ثبوت) و به حکم قانون گذار عطف به ماسبق می شود و حکم دادگاه صرفاً آشکارکننده وضعیت مزبور است (مرحله اثبات) و از این جهت با نظریه پیشین که چنین دقتی ندارد، متفاوت می باشد. در مقابل، برخی دیگر از حقوق دانان بنام فرانسه، اعتقاد به تأسیسی بودن حکم دادگاه دارند و آن را به عنوان یکی از وجوه افتراق بطلان مطلق و نسبی قلمداد می نمایند و تکیه بر این مطلب دارند که در بطلان نسبی قبل از صدور حکم دادگاه بر بطلان، قرارداد وجود داشته و این تصمیم قضایی است که با عمل حاکمیتی، آن را از بین می برد (Planio, *Traité élémentaire*, T. 1, n° 330 et 338). آن را از بین می برد (cité par Flour, et al., 2002, p. 240). بر همین اساس است که اینجا بیشتر سخن از قابلیت ابطال است نه بطلان. این نظر با توجه به مبانی حقوق فرانسه بیشتر قابل دفاع بوده و با ادله زیر تأیید می گردد:

- ۱- صرف نقض قواعد مقرر قانونی در زمان انعقاد قرارداد، کافی برای اثبات اعلامی بودن حکم دادگاه مبنی بر بطلان نمی باشد؛ زیرا بر ملازمه میان آن دو دلیلی ارائه نشده است. در واقع نقض قواعد مزبور در زمان تشکیل قرارداد، شرط لازم برای بطلان عمل است، اما شرط کافی نبوده، حکم دادگاه برای تأسیس مفهوم بطلان نسبی ضروری است. برخلاف بطلان مطلق، در خصوص بطلان نسبی، دادگاه بطلان را احراز نمی کند؛ بلکه شرایط لازم برای ابطال قرارداد را احراز و بر حسب درخواست ذی نفع حکم به بطلان می دهد.
- ۲- از طرف دیگر عطف به ماسبق شدن آثار بطلان نسبی نیز تلازمی با اعلامی بودن حکم دادگاه نداشته و مبنای آن حکم قانون گذار است.
- ۳- آنچه مسلم است در بطلان نسبی، تا زمانی که قرارداد به موجب حکم دادگاه ابطال نگردیده، قرارداد کلیه آثار خود را برجای می گذارد و صحیح تلقی می شود. اعلامی پنداشتن حکم دادگاه با صحیح قلمداد نمودن قرارداد قبل از حکم دادگاه، قابل جمع نیست.

۱- برخی از نویسندگان فرانسوی تصور کرده اند که در بطلان اعم از مطلق و نسبی زمانی که شرایط آن محقق باشد و به طور قانونی درخواست شود، قاضی مکلف به اعلام آن است. (Flour, et al., 2002, p. 243)

۴- استفاده از تعبیر ابطال^۱ یا قابلیت ابطال^۲ یا عقد قابل ابطال^۳ در برخی متون قانونی^۴ و نوشته های حقوقی (Carbonnier, ۱۹۸۸, p. ۲۰۱; Flour, et al., ۲۰۰۲, p. ۲۴۰) نیز تأییدی بر تأسیسی بودن حکم دادگاه می باشد.

صرف نظر از اعلامی یا تأسیسی بودن حکم دادگاه، تردیدی در لزوم آن در حقوق فرانسه وجود ندارد. با این حال، این سؤال مطرح است که آیا قاضی پس از احراز شرایط بطلان نسبی، مکلف به صدور حکم مبنی بر بطلان است یا در این خصوص اختیار دارد؟ برخی از نویسندگان فرانسوی پس از طرح این سؤال، به درستی دادگاه را (جز در مواردی که قانون گذار دادگاه را مخیر کرده)، ملزم به صدور حکم دانسته اند. (Flour, et al., ۲۰۰۲, p. ۲۴۳) از جمله موارد استثنائی که به رغم وجود جمیع شرایط قانونی، دادگاه اختیار صدور حکم بطلان دارد، ماده ۱-۱۴۱ قانون تجارت فرانسه می باشد که در مورد فروش حق کسب و پیشه و تجارت، فروشنده را ملزم به ذکر اطلاعاتی نموده است و در مقام بیان ضمانت اجرایی این تکلیف مقرر می دارد که: «در صورت عدم ذکر این موارد، دادگاه می تواند به درخواست خریدار حکم به بطلان بیع بدهد».

نکته قابل توجه دیگر در این خصوص این است که استفاده از حق ابطال قرار داد، هم به صورت اقامه دعوی مستقل و هم در مقام دفاع (به عنوان ایراد) امکان پذیر است. (Veaux, ۱۹۹۶a, p. ۱۹) به عنوان نکته پایانی در این قسمت، تذکر این مطلب ضروری است که نگارندگان قانون مدنی فرانسه مقررات بطلان نسبی را از ماده ۱۳۰۴ به بعد تحت عنوان "De l'action en nullité ou en rescision" طرح نموده اند و مقصود از هر دو اصطلاح (nullité و rescision) مفهوم واحد (بطلان نسبی) به نحو عموم و خصوص می باشد. با این توضیح که "nullité" به معنای بطلان و "rescision" در لغت به معنای فسخ است؛ اما در استعمال قانون مدنی فرانسه به معنای نوعی خاص

۱- Annulation.

۲- Annulabilité.

۳- Contrat annulable.

۴- به عنوان نمونه ر.ک. قانون مدنی فرانسه مواد ۲۱۵، ۳-۲۲۰، ۴۰۲، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۶-۱۸۴۴، ۲۵۲۱ و ۲۵۲۲.

از بطلان نسبی است که در فرض مغبون شدن یکی از دو طرف قرار داد کاربرد دارد و با تعبیر "rescision pour lesion" به کار رفته است. برای تبیین کامل تر مفهوم اصطلاح اخیر باید نگاهی به سابقه تاریخی آن نمود. در حقوق قدیم، این دو اصطلاح (nullité-rescision) مترادف نبودند. میان دو دسته بطلان‌ها تفکیک می‌شد؛ بطلان‌های ناشی از نقض عرف‌ها و فریمان‌های شاه که توسط دادگاه‌ها بدون تشریفات خاص مقدماتی اعلام می‌گردید و بطلان‌های ناشی از حقوق رم که در مورد قراردادهای کاربرد عام داشت اما استفاده از آن، مستلزم اجازه پادشاه در قالب نامه فسخ (Lettre de rescision) بود. (Colin, Capitant, & Julliot De la Morandière, ۱۹۶۶, p. ۲۲۱) شاه در این نامه خاطر نشان می‌ساخت که قواعد رم به جهت تجویز پادشاه قدرت اجرایی دارد. بعدها مبنای ضرورت چنین نامه‌ای منتفی شد؛ ولی ضرورت تهیه چنین نامه‌ای با اهداف مالیاتی حفظ گردید. پس از انقلاب کییر فرانسه، لزوم نامه مزبور منتفی شد ولی نگارندگان قانون مدنی کلمه "rescision" را در کنار اصطلاح "nullité" و به عنوان نوع خاصی از آن استعمال نموده‌اند. (Mazeauds & Chabas, ۱۹۸۵, pp. ۲۷۹, & ۲۹۸) بنابراین امروزه کاربرد اصطلاح "rescision" در مورد قابلیت ابطال قرارداد به دلیل غبن و اصطلاح "nullité" در سایر موارد می‌باشد و به رغم دوگانگی اصطلاح، هیچ تفاوت ماهوی بین آن دو وجود ندارد. (Veaux, ۱۹۹۶b, p. ۱۴) و "rescision" نوعی ابطال است که تابع مقررات دعوی بطلان نسبی می‌باشد و البته ویژگی‌های خاصی هم دارد. (Mazeauds & Chabas, ۱۹۸۵, pp. ۲۳۹; Flour, et al., ۲۰۰۲, p. ۲۹۷-۲۹۸) بنابراین نباید "rescision" را با قابلیت فسخ مصطلح اشتباه کرد؛ آن‌چنان که برخی از حقوق دانان ایران (Shahidi, ۲۰۰۲, pp. ۵۹, ۵۲ & ۷۰) دچار چنین خلطی شده و به همین جهت عبارت برخی از نویسندگان فرانسوی را دچار تعارض پنداشته‌اند.

اینک که مفهوم بطلان نسبی تا حدودی روشن گردید، لازم است قبل از بیان آثار بطلان نسبی، به منظور جلوگیری از خلط مفاهیم، وجوه افتراق و اشتراک آن را با مفاهیم مشابه بررسی نماییم.

بطلان مطلق

در حقوق فرانسه، بطلان مطلق در مقابل بطلان نسبی قرار می‌گیرد. هر چند تقسیم بندی مزبور در بین حقوق دانان و رویه قضائی محل تردید نبوده، اما در متون قانونی به صراحت پیش‌بینی

نشده است، البته برخی (Colin, et al., ۱۹۶۶, p. ۲۲۱) آن را از مواد ۱۱۲۵ و ۱۱۳۱ قانون مدنی فرانسه قابل استنباط می‌دانند. این دو اصطلاح به رغم شباهت‌های مختصر، از جهات متعدد در تقابل با یکدیگر قرار دارند. هر دو نوع بطلان، مستلزم حکم دادگاه است با این تفاوت که اعلامی بودن حکم دادگاه در بطلان مطلق مورد قبول همگان است. باید توجه داشت که حقوق دانان فرانسه علت ضروری بودن حکم دادگاه برای بطلان مطلق را در این می‌دانند که از سویی، بالأخره ظاهری هر چند تصنعی از قرارداد باطل مطلق، ایجاد شده که لازم است از بین برود و اماره صحت دگرگون شود. از سوی دیگر، از آنجا که هیچ کس نباید دادرسی خود باشد، مراجعه به دادگاه در مورد بطلان مطلق نیز، ضرورت می‌یابد. (Flour, et al., ۲۰۰۲, p. ۲۴۰; Katouzian, ۱۹۹۷, p. ۳۰۰; Mazeauds & Chabas, ۱۹۸۵, p. ۳۰۳) اما در خصوص اعلامی یا تأسیسی بودن حکم دادگاه در مورد بطلان نسبی، اختلاف نظر وجود دارد که البته تأسیسی بودن حکم دادگاه در این خصوص مرجح است. در واقع، در بطلان مطلق، مراجعه به دادگاه به منظور احراز بطلانی است که قبل از صدور حکم وجود داشته، اما در بطلان نسبی مراجعه به دادگاه به جهت ابطال قرارداد است. بطلان مطلق از همان ابتدا به خاطر فقدان شرایط صحت، فاقد هرگونه اثری در روابط اجتماعی بوده است. بطلان نسبی نیز اصولاً پس از صدور حکم دادگاه آثار خود را از ابتدا از دست می‌دهد. این دو مفهوم از جهات دیگر نیز متمایز و متفاوت هستند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم^۱.

۱- بطلان نسبی برای حمایت از منافع اشخاص معین مقرر شده، در حالی که بطلان مطلق برای حمایت از منافع عمومی پیش‌بینی گردیده است و بر همین اساس ذی‌نفع هر یک از دو دعوی متفاوت هستند. تفصیل این موضوعات در مباحث آینده خواهد آمد.

۲- با توجه به مطلب بالا، اشخاص معین مورد حمایت در بطلان نسبی می‌توانند از حمایت مزبور به صورت تأیید عمل حقوقی چشم‌پوشی نمایند؛ در حالی که این امکان در بطلان مطلق وجود

۱- در این خصوص مراجعه شود به:

(Carbonnier, ۱۹۸۸, p. ۱۹۴; Colin, et al., ۱۹۶۶, pp. ۲۲۰-۲۲۱; Flour, et al., ۲۰۰۲, pp. ۲۳۹, ۲۴۲; Katouzian, ۱۹۹۷, pp. ۲۹۷-۳۰۰, & ۳۸۳; Marty & Raynaud, ۱۹۸۸, p. ۲۲۱; Mazeauds & Chabas, ۱۹۸۵, pp. ۲۹۶-۲۹۷ & ۳۰۶; Safaei, ۲۰۰۷, p. ۳۱۲; Shahidi, ۲۰۰۲, p. ۲۴; Veaux, ۱۹۹۶a, pp. ۵-۶

ندارد.

۳- در حقوق فرانسه، مرور زمان دعوای بطلان نسبی مشمول قواعد خاص و محدودتر از مرور زمان دعوای بطلان مطلق که مشمول قواعد عمومی مرور زمان است، می‌باشد. در حقوق ایران، گرچه مرور زمان در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ به عنوان قاعده‌ای عمومی شناخته نشده، اما مرور زمان‌های مذکور در قوانین خاص از جمله مرور زمان بطلان نسبی مذکور در ماده ۱۳۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت فسخ نشده و مورد تعرض شورای محترم نگهبان قرار نگرفته است و دارای اعتبار است.

۴- قرارداد باطل مطلق از اساس، فاقد هرگونه اثری در روابط اجتماعی است. در حالی که قرارداد باطل نسبی قبل از حکم دادگاه، صحیح و دارای کلیه آثار خود بوده و پس از حکم دادگاه آثار خود را از ابتدا از دست می‌دهد.

به رغم تفاوت‌های متعدد فوق، در بعضی موارد تمیز این دو نوع بطلان از یکدیگر مشکل می‌نماید. شاید به همین جهت باشد که برخی از استادان حقوق ایران (Katouzian, ۱۹۹۷, p. ۳۰۶)، ضمانت‌اجرایی مذکور در ماده ۱۰۰ قانون تجارت ایران را که نوعی بطلان مطلق می‌باشد، بطلان نسبی تلقی نموده‌اند. برعکس، برخی دیگر (Shahidi, ۲۰۰۲, p. ۷۴) به درستی ضمن تأکید بر مطلق بودن بطلان در روابط دو طرف، از عدم قابلیت استناد آن بطلان در برابر اشخاص ثالث سخن گفته‌اند.

برخی از حقوق دانان فرانسه در کنار بطلان مطلق و بطلان نسبی از مفهوم دیگری تحت عنوان "عدم وجود" به عنوان یکی از ضمانت‌های اجرایی سه گانه فقدان شرایط اساسی قرارداد سخن می‌گویند. (Carbonnier, ۱۹۸۸, pp. ۱۹۳-۱۹۴) مطابق این نظر، قرارداد هنگامی غیر موجود است که فاقد یکی از عناصر لازم برای هستی خود باشد به طوری که بدون آن درک تحقق عمل حقوقی امکان‌پذیر نباشد. (Shahidi, ۲۰۰۲, p. ۷۴) به تعبیر برخی از نویسندگان فرانسوی، وصف عدم وجود مواردی را بیان می‌کند که به موجب آن قرارداد فاقد یکی از عناصر ماهوی خویش است.^۱ در حالی که بطلان مطلق مربوط به مواردی است که عمل حقوقی با یکی از اوامر یا نواهی

۱- برای مطالعه تفصیلی مصادیق عدم وجود در رویه قضائی فرانسه مراجعه کنید به: (Veaux, ۱۹۹۶b, pp. ۵-۱۴)

قانونی مغایرت دارد. (Flour, et al., ۲۰۰۲, p. ۲۴۰) همان گونه که در حقوق سنتی و جدید ایران (Äl-e- Kashef Algheta, ۱۹۴۰, p. ۱۲۳; Katouzian, ۱۹۹۷, p. ۳۰۰) تفکیک عقد باطل از فاسد مورد پذیرش نیست، اغلب حقوق دانان جدید فرانسه (Colin, et al., ۱۹۶۶, pp. ۲۲۱-۲۲۲) نیز مفهوم عدم وجود را مورد انتقاد قرار داده‌اند. به کار بردن مفهوم عدم وجود در کنار بطلان مطلق، علاوه بر این که غیرمنطقی است، فایده‌ای نیز بر آن مترتب نبوده و ضروری نمی‌باشد. غیرمنطقی بودن این مفهوم از آن جهت است که بطلان مطلق در عالم اعتبار نوعی عدم وجود است و جدا از آن نیست و از طرفی، مفهوم "عدم" مفهومی بسیط بوده و مشکک به شمار نمی‌آید تا برای آن مراتبی در نظر گرفته و بطلان مطلق و عدم وجود را از حیث مراتب تشکیلی تفکیک نماییم. بنابراین تفکیک میان این دو اصطلاح موجب ابهام از جهت معیار و آثار آن می‌گردد و از آن جایی که عدم وجود آثار متفاوت با بطلان ندارد، بنابراین فایده‌ای بر آن مترتب نیست و ضرورتی ندارد. علاوه بر این، آراییی نیز که سخن از عدم وجود به میان آورده‌اند، نوعاً به بطلان مطلق نظر داشته‌اند. (Colin, et al., ۱۹۶۶, pp. ۲۲۱-۲۲۲)

عدم قابلیت استناد

یکی دیگر از مفاهیمی که در حقوق فرانسه کاربرد فراوان داشته و مقایسه آن با بطلان نسبی ضروری است، مفهوم "عدم قابلیت استناد" است. اصولاً آثار مستقیم قرارداد، گریبان گیر اشخاص ثالث نمی‌شود و حق و تکلیفی به نفع یا زیان آنها ایجاد نمی‌کند (اصل اثر نسبی قرارداد)، لیکن قرارداد به عنوان واقعه‌ای که رخ داده، می‌بایست توسط اشخاص ثالث مورد احترام قرار گیرد و حق انکار آن را ندارند. (اصل قابلیت استناد قرارداد^۱) با اینحال گاهی اتفاق می‌افتد که به رغم معتبر بودن قرارداد میان دو طرف، شخص ثالث الزامی به پذیرش آن ندارد. (عدم قابلیت استناد) از آن جایی که این عمل باطل نیست، طرفین قرارداد را به یکدیگر مرتبط می‌کند ولی ایشان نمی‌توانند از آن در مقابل اشخاص ثالث بهره‌برند. به عنوان نمونه وقتی که قانون گذار به منظور حمایت از اشخاص ثالث دستور ثبت یا انتشار عملی را می‌دهد، ضمانت اجرای عدم انتشار، بطلان عمل

۱- برای مطالعه تفصیلی در خصوص این اصل و شرایط و آثار آن ر.ک. (Ghabooli dorafshan, ۲۰۰۷)

حقوقی نیست. بلکه نتیجه آن، عدم قابلیت استناد در برابر اشخاص ثالث است. از این قبیل است رهن اموال غیر منقول در حقوق فرانسه (Simler & Ghestin, Jamin, & Billiau, ۲۰۰۱, p. ۸۳۴; Delebecque, ۱۹۹۵, pp. ۵۷۶-۵۷۹)، عدم ثبت انتقال سهام به نام در دفتر ثبت سهام شرکت‌های سهامی (ماده ۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت)، عدم پیش‌بینی شرط محدود کننده اختیارات مدیران در شرکت با مسئولیت محدود در اساسنامه (ماده ۱۰۵ قانون تجارت) و

در این قبیل موارد، مفهوم عدم قابلیت استناد به وضوح از بطلان نسبی متمایز است. اما در مواردی این دو مفهوم از جهاتی به یکدیگر نزدیک می‌شوند. مثلاً در خصوص دعوی پل^۱ که مدیون به قصد فرار از دین اموال خود را به غیر منتقل می‌نماید، قانون‌گذار فقط به طلبکاران مدیون مزبور اجازه انکار و نادیده گرفتن قرارداد را می‌دهد و از این جهت که در این مورد فقط شخص یا اشخاصی که قانون‌گذار در صدد حمایت از آنان می‌باشد، از ضمانت‌اجرایی عدم قابلیت استناد بهره‌می‌برند، به مفهوم بطلان نسبی نزدیک می‌گردد. (Mazeauds & Chabas, ۱۹۸۵, p. ۳۰۵) با این توضیح و به منظور تمیز مناسب‌تر دو مفهوم فوق از یکدیگر شایسته است به وجوه افتراق آنها اشاره‌نماییم. مهم‌ترین ممیزه این دو، تفاوت آنها از جهت ذی‌نفع می‌باشد. در حالی که ذی‌نفع دعوی بطلان نسبی معمولاً یکی از طرفین قرارداد می‌باشد؛ ذی‌نفع عدم قابلیت استناد، اشخاص ثالث یا گروهی از آنها هستند. تفاوت دیگر در این است که بطلان ضمانت‌اجرایی عدم رعایت شرایط اساسی تشکیل قرارداد است. در حالی که عدم قابلیت استناد، ضمانت‌اجرایی شرایط قابلیت استناد به قرارداد در برابر اشخاص ثالث است. با توجه به تفاوت اخیر، تفاوت دیگر این دو مفهوم در این است که در صورت بطلان یا ابطال قرارداد، عمل حقوقی نسبت به طرفین فاقد اثر و بی‌اعتبار می‌گردد، در حالی که در فرض عدم قابلیت استناد، قرارداد نسبت به دو طرف قرارداد معتبر است. در پایان، توجه به این تفاوت نیز مفید است که دعوی بطلان نسبی مشمول مرور زمان

۱- Action paulienne.

مقصود از این دعوا، دعوی ابطال معامله به قصد فرار از دین است که از نظر تاریخی از حقوق رم وارد حقوق فرانسه شده است و به «دعوی پل» اشتها یافته و نام آن از نام قاضی رومی (پل) اتخاذ گردیده است. مشهور است که وی نخستین کسی است که آن را مورد پذیرش قرار داده است. (Weill & Terré, ۱۹۸۰, p. ۹۴۶; Colin, et al., ۱۹۶۶, p. ۴۰۸)

می‌گردد؛ درحالی که عدم قابلیت استناد، مشمول مرور زمان نمی‌شود. چون اشخاص ثالث در تشکیل عقد دخالت نداشته‌اند تا ثبوت حقی علیه ایشان مشمول مرور زمان شود.

با این حال، شباهت دو مفهوم مزبور به حدی است که از طرفی برخی از استادان حقوق فرانسه (Mazeauds & Chabas, ۱۹۸۵, p. ۲۹۹) عدم قابلیت استناد را نوعی بطلان با اثر نسبی دانسته‌اند و از طرف دیگر، این شباهت برخی از حقوق‌دانان ایران (Katouzian, ۱۹۹۷, pp. ۳۰۵-۳۰۷) را در شمارش مصادیقی از بطلان نسبی در متون قانون ایران به اشتباه انداخته که شاید علت اشتباه، ابهام کلمه "بطلان نسبی" باشد که در نگاه بدوی و فارغ از معنای اصطلاحی آن، ممکن است علاوه بر بطلان نسبت به طرفین قرارداد، توهم بطلان نسبت به اشخاص ثالث را نیز القا نماید! درحالی که همان‌طور که گفتیم، بطلان نسبی اصولاً عبارت از قابلیت ابطال قرارداد توسط طرف یا طرفین قرارداد است. بنابراین معامله سهام بانام مذکور در ماده ۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که در دفتر ثبت سهام شرکت ثبت نشده‌باشد، از آنجایی که قرارداد بین طرفین کاملاً صحیح و معتبر بوده و قابل ابطال نیست، مشمول مفهوم بطلان نسبی نمی‌باشد و فقط علیه اشخاص ثالث غیر قابل استناد خواهد بود. (Shahidi, ۲۰۰۲, p. ۷۳) همچنین است توافق بر تحدید حدود اختیارات مدیران که به موجب ماده ۱۰۵ قانون تجارت ایران (حتی اگر در اساسنامه ذکر نشود)، معتبر و غیرقابل ابطال است. حکم این ماده هم عدم قابلیت استناد است و بطلان نسبی تلقی نمی‌شود. (Shahidi, ۲۰۰۲, p. ۷۴)

عدم نفوذ

اصطلاح دیگری که تمیز آن از بطلان نسبی ضروری است، مفهوم "عدم نفوذ" می‌باشد. عدم نفوذ وضعیتی است ناقص که فاقد رضای معتبر و در نتیجه فاقد اثری است که قانون برای آن عقد در صورت کامل بودن می‌شناسد و در صورت الحاق رضای معتبر، عقد کامل گشته، آثار خود را برجای می‌گذارد.

عدم نفوذ و بطلان نسبی از این جهت که در صورت رد (در عقد غیر نافذ) و ابطال (در عقد باطل نسبی) فاقد هرگونه اثری از ابتدا می‌باشند، مشابه بوده و علاوه بر آن، از جهت امکان تنفیذ و تأیید توسط ذی نفع که شخص مورد حمایت قانون گذار می‌باشد نیز، به یکدیگر شبیه هستند. اما

از جهات مختلف با یکدیگر متفاوتند. مهم‌ترین تفاوت این دو در این است که عقد باطل نسبی تا زمانی که توسط دادگاه به درخواست ذی‌نفع ابطال نگردیده، دارای اعتبار بوده و کلیه آثار خود را به جای می‌گذارد. برعکس، عقد غیر نافذ پیش از تنفیذ، هیچ اثر حقوقی ندارد. از طرف دیگر، قلمرو موضوعی ضمانت‌های اجرایی مزبور متفاوت است. در حقوق ایران ضمانت‌اجرای عدم‌نفوذ به‌طور معمول در موردی به‌کار می‌رود که نقصان عقد به‌دلیل فقدان رضای معتبر می‌باشد، (از قبیل معاملات اکراهی و فضولی و به عقیده بعضی^۱ اشتباه) در حالی که بطلان نسبی در حقوق فرانسه، قلمرو متفاوتی دارد.

بطلان نسبی، مفهوم جدیدی است که از حقوق فرانسه اقتباس شده و به‌طور ویژه در قانون تجارت به چشم می‌خورد. بنابراین برای تشخیص مفهوم و ماهیت مزبور باید به مطالب فوق و نیز منشأ اقتباس قوانین توجه نمود؛ نه‌این‌که همچون برخی حقوق‌دانان (Shahidi, ۲۰۰۲, p. ۵۷)، به صرف عدم تطابق بطلان نسبی با قواعد سنتی حقوق ایران، موارد مسلم بطلان نسبی (ماده ۱۲۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت) را به عدم‌نفوذ تفسیر نمود.

قابلیت فسخ

در پایان این قسمت به مقایسه بطلان نسبی با مفهوم قابلیت فسخ می‌پردازیم. فسخ در حقوق ایران، عبارت است از این‌که قراردادی که به‌صورت کامل با تمام آثار خود منعقد گشته، به اراده یک‌جانبه یکی از دو طرف قرار داد (و بعضاً اراده یک‌جانبه شخص ثالث) منحل گشته و آثارش از همان لحظه، پایان یابد. بنابراین عقد قابل فسخ در حقوق ایران در زمان انعقاد دارای شرایط و ارکان لازم بوده است. با این توضیح، شباهت عقد قابل فسخ در حقوق ایران با عقد باطل نسبی در

۱- برای ملاحظه نظرات مزبور ر.ک. (Adl, ۲۰۰۶, p. ۱۰۱; Amiri Qaem Maqami, ۱۹۹۹, pp. ۲۲۸, and s.; Bahrami ahmadi, ۲۰۰۲, p. ۷۲; Boroojerdi Abdoh, ۲۰۰۱, pp. ۹۸-۹۹; Doroodian, ۱۹۹۴, p. ۱۳۴; Emami, ۱۹۹۵, pp. ۴۲-۴۳; Haeri Shahbaq, ۲۰۰۲ pp. ۱۶۲-۱۶۳ & ۱۹۲; Jafari Langroudi, ۱۹۶۱, pp. ۲۱۷ & ۲۲۱-۲۲۰)، از میان این نویسندگان برخی (Boroojerdi Abdoh, ۲۰۰۱, pp. ۹۸-۹۹) اشتباه در موضوع را موجب بطلان دانسته و تعبیر قانونگذار را از باب مسامحه در تعبیر شمرده، اما درباره اشتباه در شخص طرف قرارداد حکم به عدم‌نفوذ می‌دهد؛ در خصوص نقد این نظرات ر.ک. (Mohseni, ۲۰۰۷, pp. ۴۷, & s)

حقوق فرانسه در این است که هر دو قبل از اعمال فسخ یا ابطال، دارای آثار قانونی خود هستند. اما تفاوت در این است که با ابطال عقد باطل نسبی اصولاً آثار قرارداد از ابتدا منتهی می‌گردد، ولی با اعمال فسخ در حقوق ایران، آثار عقد از همان لحظه پایان می‌یابد و اثر قهقرایی ندارد. از طرف دیگر، عقد باطل نسبی به جهت عدم رعایت شرایط تشکیل قرارداد باطل می‌باشد، در حالی که عقد قابل فسخ از حیث ارکان و شرایط تشکیل هیچ‌گونه نقضی ندارد.

فسخ از حیث اثر در حقوق فرانسه به دو قسم تقسیم می‌گردد. قسم اول که از آن به "Résolution" تعبیر می‌شود، دارای اثر قهقرایی است و از این جهت شبیه بطلان نسبی می‌باشد. این نوع فسخ یا به صورت شرط فاسخ در قرارداد پیش‌بینی می‌شود و یا در اثر نقض تعهدات قراردادی در عقود معوض آنی بر حسب مورد برای یکی از طرفین یا هر دو آنان، حق فسخ ایجاد می‌شود. (Flour, et al., ۲۰۰۲, p. ۲۳۷) تفاوت این نوع فسخ با بطلان نسبی از طرفی در این است که عقد باطل نسبی شرایط تشکیل عقد را فاقد است، در حالی که عقد قابل فسخ مزبور از این حیث نقضی ندارد. از طرف دیگر، هر چند هر دو نهاد دارای اثر قهقرایی هستند، اما کیفیات و نحوه عطف به ماسبق شدن این دو با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. (Veaux, ۱۹۹۶a, p. ۷)

قسم دوم فسخ در حقوق فرانسه "Résiliation" نامیده می‌شود که اثرش نسبت به آینده است و از این جهت با بطلان نسبی متفاوت است. علاوه بر این که برعکس عقد باطل نسبی، شرایط و ارکان تشکیل قرارداد در مورد آن رعایت شده است؛ این فسخ در عقود مستمر متصور است، با این توضیح که در عقود مستمری که برای آن مدت ذکر نشده، مانند قرارداد کار بدون مدت به عنوان یک قاعده عمومی در نظر گرفته شده است. البته اعمال این حق فسخ بدون کنترل نبوده، در صورت سوء استفاده از حق، مسؤولیت جبران خسارت را به دنبال خواهد داشت. اما در عقود مستمر دارای مدت معین، اعمال چنین فسخی، استثناء بوده مستلزم تصریح قانونی است. مثلاً در عقود مبتنی بر اعتماد، چنانچه اعتمادی که مبنای قرارداد بوده، زائل شود، شخص ذی‌نفع (همچون مودع در عقد ودیعه و وکیل یا موکل بسته به مورد در عقود کالت) حق فسخ قرارداد را خواهند داشت. (Flour, et al., ۲۰۰۲, p. ۲۹۲)

در پایان لازم به ذکر است که هر چند در حقوق ایران، ضمانت اجرایی غبن ایجاد خیار فسخ است لیکن در حقوق فرانسه، ضمانت اجرایی غبن، بطلان نسبی قرارداد است، اما به لحاظ سابقه تاریخی اصطلاح "Rescision" (فسخ) در متون قانونی فرانسه در مورد آن باقی مانده که با

همه اقسام حق فسخ متفاوت بوده و مترادف با بطلان نسبی به شمار می آید. بنابراین تعبیر برخی (۷۰ & ۵۹, ۲۰۰۲, pp. ۵۲) (Shahidi) که آن را قابلیت فسخ دانسته و عبارات برخی از حقوقدانان فرانسوی را متعارض پنداشته اند، محل ایراد است.

گفتار دوم: آثار بطلان نسبی

بطلان نسبی آثار متعددی دارد. مهم ترین این آثار ویژگی عطف به ماسبق شونده آن است (بند نخست). گستره بطلان بعضاً کل قرارداد و بعضاً قسمتی از قرارداد را شامل می شود (بند دوم). به دنبال ابطال قرارداد، گاه، بحث مسؤلیت طرفین قرارداد یا یکی از ایشان نیز مطرح می گردد (بند سوم).

بند نخست: عطف به ماسبق شدن بطلان

زمانی که دادگاه حکم به بطلان قرارداد می دهد، نه تنها قرارداد. آثارش را نسبت به آینده از دست می دهد، بلکه اثر بطلان به گذشته نیز سرایت نموده و قرارداد را از ابتدا فاقد هرگونه اثری می نماید. این است اثر عطف به ماسبق شونده بطلان. این اثر در فرضی که قرارداد اجرا نشده، هیچ نمودی ندارد. اما هنگامی که بطلان پس از اجرای قرارداد مطرح می شود، معنا پیدا می کند و در این فرض باید وضع اشیاء به حالت قبل از قرارداد بازگردد، به گونه ای که گویا اصلاً چنین قراردادی وجود نداشته است.

باید توجه داشت که اصولاً بطلان نسبت به همگان مؤثر بوده و حتی تأثیر آن نسبت به اشخاص ثالث نیز مطابق قاعده است. (Katouzian, ۱۹۹۷, pp. ۳۱۴, ۳۱۸-۳۱۹; Veaux, ۱۹۹۶c, p. ۹) و نمی توان ضمن قیاس آثار بطلان قرارداد با آثار مستقیم قرارداد صحیح، قاعده اثر نسبی^۱ را در مورد بطلان، نیز جاری دانست. چون برخلاف قرارداد صحیح، بطلان، اثر ایجابی ندارد و به معنای

۱- قاعده اثر نسبی که به ویژه در مورد قرارداد به کار می رود، به این معنا است که آثار مستقیم قرارداد یا رأی یا ... جز در مواردی که قانون گذار خلاف آن را تصریح نماید، فقط گریبان گیر طرفین قرارداد و اصحاب دعوا و قائم مقام آنان می گردد. این قاعده در مورد قراردادها در ماده ۲۳۱ قانون مدنی ایران و ماده ۱۱۶۵ قانون مدنی فرانسه بیان گردیده است.

حذف موجود پوشالی از عالم حقوق است. بنابراین گفته آن کسانی که برای بطلان اثر نسبی قابل هستند (Shahidi, ۲۰۰۲, p. ۱۵۰)، قابل انتقاد به نظر می‌رسد. البته قانون‌گذار بعضاً تأثیر عام بطلان را با تأسیس عدم قابلیت استناد محدود می‌کند. به‌عنوان نمونه بطلان نسبی ماده ۱۲۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، به موجب ماده ۱۳۰ آن قانون علیه اشخاص ثالث، غیرقابل استناد قلمداد شده است. همچنین است بطلان مذکور در ماده ۱۰۰ قانون تجارت که به موجب ماده ۱۰۱ آن قانون علیه اشخاص ثالث غیرقابل استناد دانسته شده است. ماده ۲۷۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت هم مصداقی از همین موارد است.

نتیجه عطف به ماسبق شدن بطلان در خصوص روابط دوطرف قرارداد، این است که هر یک از طرفین حق دارند آن چیزی را که داده، مسترد نمایند. چرا که با اجرای اثر قهقرایی بطلان، پرداخت‌های انجام شده، ایفاء ناروا بوده، علی‌الأصول استرداد باید بر اساس قواعد نهاد حقوقی مزبور صورت پذیرد. در نوشته‌های حقوق دانان فرانسوی برای تبیین این وضعیت از تعبیر استعاره‌ای "قرارداد وارونه"^۱ یاد می‌شود. (Flour, et al., ۲۰۰۲, p. ۲۷۴)

بر اثر قهقرایی بطلان، استثنائاتی نیز وارد می‌شود که در دو دسته کلی قابل تقسیم است؛ برخی مربوط به اشخاص ثالث و برخی در ارتباط با طرفین قرارداد می‌باشد.

الف - استثنائات مربوط به اشخاص ثالث

از آنجایی که قرارداد اصولاً نسبت به اشخاص ثالث، فاقد اثر بوده (اصل اثر نسبی قراردادها)، این سؤال مطرح می‌شود که ابطال آن قرارداد چه اثری نسبت به اشخاص ثالث می‌تواند داشته باشد؟ در پاسخ باید گفت منظور از اشخاص ثالث، قائم مقامان خاص طرفی هستند که حقوق خود را از قرارداد باطل به دست آورده‌اند. بنابراین منطقی است که از تأثیر بطلان نسبت به ایشان هم سخن گفته شود، به‌عنوان مثال وقتی "الف" مالی را به "ب" می‌فروشد و "ب" متعاقباً آن را به "ج" منتقل می‌نماید، چنانچه قرارداد نخست دچار بطلان نسبی باشد، ابطال آن ممکن است حقوق شخص ثالث "ج" را متأثر سازد. اما به دلایل مختلف که در ذیل اشاره می‌شود، این تأثیر علیه ثالث محدود می‌گردد.

۱- Contrat à l'envers.

۱- استثناء مبتنی بر تعهد تضمین

در مثال مذکور، چنانچه ذی نفع ابطال معامله، شخص "الف" (فروشنده اول) باشد، به جهت اثر قهقرای بطلان، معامله دوم نیز منتفی می گردد. اما اگر شخص "ب" (خریدار نخست و فروشنده دوم) قصد ابطال قرارداد را داشته باشد، تأثیر ابطال قرارداد نخست بر قرارداد دوم با تعهد وی به تضمین حقوق خریدار جدید منافات دارد. بنابراین او مجاز نیست با ابتکار و اقدام شخصی خود از خریدار جدید "ج" خلع مالکیت کند. بنابر ضرب المثل معروف در حقوق فرانسه "آنکه تعهد به تضمین دارد، حق خلع ید کردن ندارد."^۱

بنابراین برای اجرای این تعهد، دو راه حل ارائه شده است (Flour, et al., ۲۰۰۲, p. ۲۷۶): از طرفی ممکن است خریدار نخست به جای استرداد عین مبیع به فروشنده نخست، قیمت آن را مسترد نماید و به تعبیر دیگر قائل به تلف حکمی مبیع گردیم که در این صورت از آن جایی که فروشنده نیز باید ثمن را باز گرداند، میان تعهدات فروشنده و خریدار تهاوتر ولو به صورت جزئی رخ خواهد داد. از طرف دیگر، ممکن است قائل به ممنوعیت اقامه دعوی بطلان گردیم. شخصی که مال خریداری شده را دوباره فروخته، حق ابطال قرارداد نخست را از دست داده است. به عبارت دیگر، از آن جایی که بیع دوم، مانع استرداد مال به فروشنده است، درخواست بطلان قرارداد اول با مانع مواجه می گردد.^۲ هر دو راه حل، حافظ حقوق شخص ثالث است؛ اما همان طور که ملاحظه می شود، در روابط میان طرفین قرارداد باطل، نتایج یکسانی ندارد.

۲- استثناء مبتنی بر دغدغه امنیت

این دسته استثنائات دارای دو ویژگی مشترک هستند: از سویی، مبتنی بر قواعد عامی هستند که اختصاصی به بحث بطلان ندارند. از سوی دیگر، عموماً به منظور حمایت از اشخاص ثالث با حسن نیتی است که نسبت به سبب بطلان جاهل بوده و تکلیفی به اطلاع نداشته اند. مهم ترین موارد این استثنائات به شرح ذیل است:

۱- "Qui doit garantie, ne peut evincer."

۲- Civ. ۱۷ déc. ۱۹۲۸, (Flour, et al., ۲۰۰۲, p. ۲۴۲)

۱-۲: قراردادهای بهره‌برداري کوتاه‌مدت^۱ که توسط شخصی غیر از مالک منعقد شده است،^۲ مثل قراردادهای اجاره کوتاه‌مدتی که خریدار منعقد نموده و سپس قرارداد بیع (معامله سابق) توسط فروشنده ابطال گردیده است. در توجیه این استثناء به نهاد حقوقی "اداره مال غیر" نیز استناد شده است. توضیح این که چنین قراردادهایی از جمله اعمال مفید یا بعضاً لازم برای حفظ مال غیر می‌باشد و چنانچه این قراردادها منعقد نشود، منافع متعلق به مالک از بین می‌رود. (Shahidi, ۲۰۰۲, p. ۱۵۹)

۲-۲: چنانچه خریدار پس از خرید مال منقول، آن را به شخص ثالثی بفروشد و سپس فروشنده نخست بیع اول را ابطال نماید، تأثیری به حال شخص ثالث (خریدار دوم) نخواهد داشت؛ به شرطی که اولاً در زمان تحصیل مال، دارای حسن نیت بوده و ثانیاً مال در تصرف وی قرار داشته باشد. این استثناء ناشی از اعمال قاعده مندرج در ماده ۲۲۷۹ قانون مدنی فرانسه است که به موجب آن "تصرف در اموال منقول ارزش اثباتی دارد." بنابراین همان گونه که ملاحظه می‌شود، در حقوق فرانسه بر خلاف حقوق ایران تصرف در اموال منقول یک اماره ساده نیست؛ بلکه گاهی وجود عنصر حسن نیت در کنار تصرف موقعیت محکم‌تری برای متصرف ایجاد می‌نماید. (Shahidi, ۲۰۰۲, p. ۱۵۸) البته حسن نیت باید در زمان تحقق تصرف وجود داشته باشد. (Veaux, ۱۹۹۶c, p. ۱۴) این استحکام به قدری است که ماده ۲۲۷۷ قانون مزبور (اصلاحی سال ۲۰۰۸) برای حمایت از متصرف با حسن نیتی که مال گمشده یا مسروقه را بدون اطلاع از این وضعیت خریداری نموده، مالک اصلی را از استرداد مال ممنوع می‌کند، مگر با تأدیه ثمنی که متصرف مزبور بابت آن مال پرداخته است.

۳-۲: در خصوص اموال غیر منقول هر چند برخلاف مورد قبل اصولاً اثر قهقرايي بطلان دامن‌گیر اشخاص ثالث نیز می‌گردد و خریدار دوم از نتایج ابطال قرارداد اصلی فروشنده خود متأثر می‌شود، ولی دو نهاد حقوقی در این زمینه بعضاً نقش محدود کننده دارد. از سویی، مرور زمان مملک (البته

۱- Les actes d'administration.

۲- Civ.v nov. ۱۹۲۸, Gaz. Pal. ۱۹۲۹. I. ۳۱۲. (Colin, et al., ۱۹۶۶, p. ۲۳۲)

با وجود شرایطی) موجب مالکیت متصرف مال غیر منقول می‌گردد.^۱ از سوی دیگر، نظریه مالکیت ظاهری نیز محدودیت‌هایی را در این خصوص دربردارد. توضیح این که دادگاه‌ها (Veaux, ۱۹۹۶c, pp. ۱۴-۱۵) با استفاده از یک قاعده عام اخلاقی که به موجب آن "اشتباه عمومی موجب حق است" قراردادهای قانونی خاصی^۲ را که توسط غیر از مالک (که در نظر عموم مردم مالک تلقی می‌شده)، منعقد شده است، معتبر می‌شمارند. منظور از قراردادهای خاص، قراردادهایی است که حقوق ویژه و جدی نسبت به مال غیر منقول برای دیگری ایجاد می‌کند که مصداق بارز آن، قرارداد بیع و قرارداد رهن است. (Cornu, ۱۹۹۲, p. ۲۷۷) باید توجه داشت که قدر متقین اعمال این قاعده هنگامی است که اشتباه عمومی واقعاً غیر قابل اجتناب باشد. (Flour, et al., ۲۰۰۲, p. ۲۷۷)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در دو مورد نخست حمایت از شخص ثالث به نحو کامل انجام می‌شود. اما در مورد سوم با عنایت به اهمیت معامله و فراهم بودن زمینه ملاحظات رسمی و در نتیجه سهولت امر اثبات، نیاز به حمایت از شخص ثالث کمتر است.

در حقوق ایران نیز برای حفظ امنیت معاملات و حمایت از اشخاص ثالث با حسن نیت، مثال‌های مشابهی وجود دارد که از جمله می‌توان به ماده ۱۳۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت اشاره نمود. به موجب این ماده و به رغم ابطال معاملات مدیران با شرکت، معاملات مزبور در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت معتبر به شمار آمده است.

ب- استثنائات در ارتباط با طرفین قرارداد

در این قسمت، سخن از استثنائات اثر فقه‌قراایی بطلان، به بحث استرداد مرتبط است که خود به سه گروه تقسیم می‌شود: اول، استثناء مربوط به عدم امکان اعاده وضع سابق به جهت تلف شدن موضوع قرارداد یا به لحاظ ماهیت موضوع قرارداد، دوم، استثناء مبتنی بر لزوم حمایت از یکی از طرفین به جهت حسن نیت یا محجوریت وی و سوم، استثناء مبتنی بر لزوم رعایت منافع عمومی که برای حمایت از اخلاق حسنه مورد پذیرش جامعه منظور شده است.

جزئیات و تفصیل این موارد را در بحث مسؤلیت (استرداد) مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱- در این خصوص ر.ک. مواد ۲۲۱۹ به بعد و ۲۲۶۵ به بعد قانون مدنی فرانسه (اصلاحی ۲۰۰۸)

۲- Les actes de disposition.

بند دوم: میزان تأثیر بطلان بر قرارداد

در خصوص میزان تأثیر بطلان، مسأله از دو جنبه قابل بررسی است. از طرفی باید تأثیر بطلان یک قرارداد بر سایر قراردادها را بررسی نمود و از طرف دیگر باید تأثیر بطلان شرط ضمنی را بر قرارداد اصلی مورد مطالعه قرارداد.

درباره مسأله نخست اصولاً بطلان یک قرارداد نمی تواند تأثیری بر سایر قراردادها داشته، مگر این که به جهت رابطه تنگاتنگ میان دو قرارداد، سرنوشت یکی وابسته به سرنوشت دیگری باشد. این وابستگی ممکن است ناشی از طبیعت دو قرارداد باشد یا این که طرفین آشکار با اراده خود دو قرارداد را به گونه ای غیر قابل تفکیک به یکدیگر مرتبط نموده باشند.

به عنوان نمونه به موجب ماده ۲۱-۳۱۱ L از قانون مصرف، چنانچه قرارداد اصلی که برای اجرای آن، قرارداد تخصیص اعتبار منعقد شده، باطل یا منفسخ گردد، قرارداد اخیر نیز به همان سرنوشت دچار خواهد شد. همچنین است در مورد قرارداد اجاره مسکونی که ارتباط آن با قرارداد کار تصریح شده باشد یا قرارداد قرضی که مشخصاً برای اشتغال خاصی تخصیص داده شده است. رویه قضایی نیز همین راه حل ها را تأیید می کند.^۱

در مورد مسأله دوم، سؤال این است که اگر شرطی برخلاف قاعده مثلاً خلاف اخلاق یا نظم عمومی باشد، آیا صرفاً شرط باطل است یا این که قرارداد هم باطل می شود. در پاسخ گفته شده (Carbonnier, ۱۹۸۸, p. ۱۹۸) که عقلاً و منطقاً بطلان باید فقط قسمتی از قرارداد را شامل شود که معیوب بوده و در نتیجه آن شرط حذف شده و کأن لم یکن به شمار آید. قانون گذار نیز در موارد متعددی همین حکم را جاری دانسته است. به عنوان نمونه می توان به ماده ۹۰۰ قانون مدنی فرانسه در مورد هبه، ماده ۱۰-۱۸۴۴ در مورد شرکت ها، ماده ۸۶۰ قانون روستایی درباره اجاره های زراعی، و ماده ۱-۱۳۲ L قانون مصرف راجع به حمایت از مصرف کنندگان اشاره نمود. در ظاهر امر، قانون گذار فرانسه در خصوص شروط مخالف قانون یا اخلاق حسنه و شروط غیرمقدور میان هبات و وصیت از یک طرف و عقود معوض از طرف دیگر، برخورد دوگانه

۱- Civ. ۱re, ۱re juilli, ۱۹۹۷, (Flour, et al., ۲۰۰۲, p. ۲۷۰)

داشته‌است.

به موجب ماده ۹۰۰ قانون مدنی شروط مزبور که ضمن هبه یا وصیت ذکر گردیده، "کأن لم یکن" (نانوشته) فرض شده "بدون این که تأثیری بر اصل قرارداد داشته‌باشد. درحالی که طبق ماده ۱۱۷۲ قانون مزبور در خصوص اعمال حقوقی معوض، چنین شروطی، هم باطل بوده و هم قرارداد اصلی را باطل می‌نماید.

اما رویه قضایی به تدریج با ارایه تفسیری جدید برای نزدیکی مادتین ۹۰۰ و ۱۱۷۲ تلاش کرده‌است. این تلاش مبتنی بر جستجوی اراده طرفین در خصوص اساسی یا فرعی بودن شرط مزبور می‌باشد. (Carbonnier, ۱۹۸۸, p. ۲۷۲; Colin, et al., ۱۹۶۶, p. ۲۳۰; Marty & Raynaud, ۱۹۸۸, p. ۲۴۰) چنانچه شرط مزبور اساسی بوده و علت عمده باشد، بطلان قرارداد را نیز دربردارد؛ ولو این که شرط مزبور در ضمن هبه یا وصیت درج گردیده‌باشد. اما اگر شرط مزبور در نظر دو طرف قرارداد فرعی بوده‌باشد، بطلان حتی در عقود معوض، جزئی و منحصر به شرط می‌باشد و تأثیری بر اصل قرارداد ندارد. در نتیجه ماده ۹۰۰ ناظر به شروطی است که جنبه اساسی نداشته‌باشد و ماده ۱۱۷۲ ناظر به شروطی می‌باشد که علت عمده قرارداد هستند. در نتیجه میان مواد مزبور، تقابلی وجود نخواهد داشت.

بند سوم: مسؤولیت ناشی از ابطال قرارداد

منظور از مسؤولیت ناشی از ابطال قرارداد، از سویی استرداد آن چیزی است که هریک از طرفین در اثر قرارداد باطل به دست آورده و از سوی دیگر، جبران خسارات ناشی از ابطال با رعایت قواعد مسؤولیت مدنی است.

طبیعی است، چنانچه قرارداد اجرا نشده‌باشد، استرداد منتفی است. اما اگر قرارداد کلاً یا جزئاً اجرا شده‌باشد، اصولاً هریک از طرفین باید آنچه را که تحصیل کرده، مسترد نماید. برای این تکلیف می‌توان مبانی حقوقی مختلفی ارائه نمود. برخی حقوق دانان فرانسوی (Flour, et al., ۲۰۰۲, pp. ۲۷۴-۲۷۵) آن را نتیجه عطف به ماسبق شدن بطلان، قلمداد نموده و مبنای آن را ایفای ناروا دانسته‌اند. در واقع، به نظر می‌رسد که مسأله به قاعده "داراشدن بلاجهت" باز می‌گردد؛ چون جهت و سبب قانونی برای دارا شدن در اثر ابطال، منتفی گردیده‌است. در حقوق ایران نیز برای توجیه این

تکلیف می‌توان به مبنای اکل مال به باطل و ضمان ید اشاره نمود.

برای انجام تکلیف استرداد، بدیهی است که در صورت وجود عین، باید همان عین مسترد^۱ گردد؛ اما چنانچه امکان استرداد عین وجود نداشته باشد، در حقوق فرانسه تکلیف استرداد به صورت پرداخت قیمت^۲ ظاهر می‌شود.

ممکن است، تکلیف استرداد با حقوق اشخاص ثالث گره بخورد و آن وقتی است که پس از معامله و قبل از ابطال آن، انتقال گیرنده به موجب قرارداد بعدی مال را در اختیار شخص ثالث قرارداده باشد. در این فرض، سؤال این است که آیا ابطال قرارداد نخست، تکلیفی را متوجه شخص ثالث می‌کند یا خیر؟ جواب این سؤال و احکام مربوط به آن قبلاً در بحث اثر قهقرایی بطلان به تفصیل بیان گردید.

آنچه گفته شد، قاعده کلی در مورد استرداد است و قاعده مزبور نیز مانند اغلب قواعد با استثنائاتی روبه‌روست که مستلزم بررسی می‌باشد. در یک تقسیم بندی کلی می‌توان استثنائات مزبور را به سه گروه تقسیم نمود: الف- استثناء مبتنی بر عدم امکان اعاده وضع سابق ب- استثناء مبتنی بر نفع و مصلحت یکی از طرفین ج- استثناء مبتنی بر منافع عمومی. در ادامه به توضیح این موارد می‌پردازیم.

الف- استثناء مبتنی بر عدم امکان اعاده وضع سابق

عدم امکان اعاده وضع سابق یا به جهت تلف (اعم از اتلاف و تلف در اثر حوادث غیرمترقبه و نیز تلف حکمی) و یا به جهت نوع و ماهیت قرارداد (عقود مستمر) می‌باشد. در صورتی که خریدار کالایی معین، کالای مزبور را تلف یا شدیداً تخریب نموده باشد، دعوای بطلان توسط وی پذیرفته نیست.^۳ اما در فرض تلف، حکمی که به موجب قرارداد ناقل بعدی کالای مزبور را به تصرف دیگری داده باشد، دو راه حل مطرح می‌شود. برخی این مورد را نیز از موارد عدم پذیرش دعوای بطلان دانسته و برخی با استدلال مناسب‌تری بر امکان استرداد از طریق دادن

۱- Restitution en nature.

۲- Restitution en valeur.

۳- Civ. 1^{re}, ۲۳ févr. ۱۹۷۰, (Flour, et al., ۲۰۰۲, p. ۲۷۸)

معادل، ضمن اشاره به یک رأی قضایی^۱، تلف حکمی را مانع پذیرش دعوی بطلان ندانسته‌اند. (Flour, et al., ۲۰۰۲, pp. ۲۷۶, & ۲۷۸) در خصوص تلف در اثر حوادث غیرمترقبه نیز دعوی بطلان پذیرفته‌است؛ زیرا با ابطال قرارداد و اثر عطف به ماسبق شونده آن، فرض بر بقاء مالکیت انتقال دهنده بوده و بر اساس قاعده «تلف مال به زیان مالک است»^۲ خطر تلف به عهده وی می‌باشد. بنابراین همان گونه که در یکی از آرای قضایی آمده‌است^۳، با ابطال قرارداد در این فرض ثمن به خریدار مسترد می‌شود؛ بدون این که وی ملزم به استرداد چیزی باشد. البته برخی از نویسندگان (Marty & Raynaud, ۱۹۸۸, p. ۲۴۲) این رأی را قابل انتقاد دانسته‌اند.

گروه دوم از این دسته، قراردادهای مستمر هستند که دربردارنده تعهد به انجام کار می‌باشند. طبیعی است پس از انجام تعهد، استرداد آن غیرممکن است. (Colin, et al., ۱۹۶۶, p. ۲۳۱) به همین جهت استرداد عوض آن نیز باید استثناء گردد. به عنوان مثال مستأجر نمی‌تواند منافعی را که استفاده نموده، مسترد نماید. یا یک کارگر نمی‌تواند کاری را که انجام داده، بازپس گیرد. به همین جهت نمی‌توان پذیرفت که در مورد نخست مستأجر اجاره‌بهای پرداختی را بازپس گیرد و در مورد دوم کارگر ملزم به استرداد دستمزد دریافتی گردد.

ب- استثناء مبتنی بر حمایت از یکی از طرفین قرارداد

اشخاص باحسن نیت و محجوران شایسته حمایتند. هر چند که منطق عطف به ماسبق شدن بطلان اقتضا دارد که انتقال گیرنده نه تنها ملزم به استرداد عین آن چیزی که تحصیل کرده باشد، بلکه تکلیف به استرداد ثمرات^۴ و عوائد^۵ حاصل از مال در مدت تصرف نیز دارد. ولی قانون‌گذار به منظور حمایت از متصرف باحسن نیت به موجب ماده ۵۴۹ قانون مدنی فرانسه، وی را از استرداد ثمرات معاف دانسته‌است. طبق ماده ۵۵۰ قانون مزبور، متصرف وقتی باحسن نیت تلقی می‌شود که به

۱- Civ. ۱re, ۱۶ mars ۱۹۹۹, (Flour, et al., ۲۰۰۲, p. ۲۷۸)

۲- "Res perit domino."

۳- Civ. ۱re, ۶ déc. ۱۹۶۷, (Flour, et al., ۲۰۰۲, p. ۲۷۸)

۴- Fruits.

۵- Revenus.

علت عدم آگاهی از عیوب قرارداد ناقل مالکیت، خود را مالک می‌پنداشته است. باید توجه داشت که در حقوق فرانسه، ثمرات با منافع مستوفات متفاوت است. حکم معافیت از استرداد به ثمرات اختصاص دارد، ولی در مورد منافع مستوفات به موجب برخی آراء^۱ به استناد "دارا شدن بلاجهت"، حتی شخص باحسن نیت نیز، تکلیف به استرداد مابه‌ازاء آن را دارد. (Marty & Raynaud, ۱۹۸۸, p. ۲۴۲)

ماده ۱۳۱۲ قانون مدنی نیز در حمایت از محجوران چنین مقرمی دارد که محجور تکلیف به استرداد آن چیزی که در اثر قرارداد باطل به دست آورده، نیست؛ مگر تا حدی که پرداخت در جهت منافع وی بوده باشد. بنابراین اگر وجهی را که قرض گرفته از بین ببرد، مسؤولیتی برای استرداد ندارد. (Carbonnier, ۱۹۸۸, p. ۱۹۹) البته در صورت بقاء عین، تکلیف به استرداد قطعی است. با این توضیح در خصوص منافع مستوفات، محجور مزبور مکلف به استرداد ارزش آن می‌باشد. اما نسبت به منافع غیرمستوفات هیچ تکلیفی ندارد. (Flour, et al., ۲۰۰۲, p. ۲۸۰)

ج- استثناء مبتنی بر حمایت از منافع عمومی

مبنای استثناء در این مورد بیشتر دو ضرب‌المثل قدیمی است که به موجب آنها "هیچ کس نمی‌تواند از ردالت خود سود ببرد." و "به علت ردالت حق استرداد منتفی می‌گردد." ضرب‌المثل نخست که از حقوق رم اقتباس شده، مورد استناد رویه قضایی در زمان حکومت پادشاهی بوده است. در دوران حاکمیت قانون مدنی نیز به رغم این که در هیچ متن قانونی از آن یاد نشده، دادگاه‌ها و حتی دیوان عالی کشور^۴ به آن عنایت دارند.

به موجب ضرب‌المثل نخست، حق استرداد پرداخت‌های صورت گرفته در مقام اجرای قرارداد، منتفی است، اما این ضرب‌المثل نافی حق استناد به بطلان نیست. مثلاً خریدار یک خانه فساد که ثمن را نپرداخته، می‌تواند برای امتناع از پرداخت ثمن، دعوای بطلان را مطرح نماید و ردالت او در این جا علیه وی قابل استناد نیست. اما چنانچه ثمن را پرداخته و تقاضای استرداد داشته باشد،

۱- Com. ۱۶ déc. ۱۹۷۵, (Marty & Raynaud, ۱۹۸۸, p. ۲۲۱)

۲- "Nemo auditor propriam turpitudinem allegans."

۳- "In pari causa turpitudinis, cessat repetitio."

۴- Com. ۲۰ janv. ۱۹۸۷, (Carbonnier, ۱۹۸۸, p. ۲۰۳)

دعوايش مسموع نیست و در این فرض است که ردالتش علیه وی قابل استناد است. ضرب المثل دوم به رغم این که به صورت روشن تر همین مسأله را تبیین می کند، متداول و رایج نمی باشد. اینک که مسأله استرداد در اثر ابطال قرارداد به طور مستوفی مورد بررسی قرار گرفت، باید در خصوص مسأله جبران خسارات احتمالی ناشی از ابطال قرارداد نیز متذکر شویم که موضوع مشمول قاعده عمومی مسؤولیت مدنی مذکور در ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه است که به موجب آن هر عملی که موجب خسارت به دیگری گردد، عامل آن را در صورت ارتکاب تقصیر، ملزم به جبران خسارت می نماید. بنابراین بحث مسؤولیت قراردادی منتفی است.

نتیجه گیری

بطلان نسبی وضعیتی است که قانون گذار برای نقض قواعد مربوط به حمایت از شخص یا اشخاص معینی که معمولاً یکی از طرفین و بعضاً هر دو طرف قرارداد و یا اشخاص ثالث می باشند، در نظر گرفته، در حالی که بطلان مطلق برای حمایت از منافع عمومی پیش بینی می شود. با این توضیح، ذی نفع دعوی بطلان نسبی اصولاً شخص یا اشخاصی هستند که قانون گذار در صدد حمایت از منافع خصوصی ایشان بوده است.

حکم دادگاه برای تحقق بطلان نسبی، ضروری است و تا زمانی که قرارداد به موجب حکم دادگاه ابطال نگردیده، قرارداد کلیه آثار خود را بر جای می گذارد و صحیح تلقی می شود که البته حکم دادگاه در این خصوص تأسیسی است. دادگاه هنگامی اقدام به صدور حکم مبنی بر این نوع بطلان می نماید که: اولاً ذی نفع از حق استناد به بطلان چشم پوشی ننموده باشد؛ ثانیاً دعوی خود را در مهلت مقرر قانونی که اصولاً پنج سال از تاریخ انعقاد قرارداد می باشد، اقامه نماید. البته بعضاً به موجب متون قانونی خاص مبدأ و مدت مرور زمان، متفاوت می باشد. حکم دادگاه مبنی بر ابطال قرارداد اصولاً دارای اثر قهقرایی بوده و قرارداد را از ابتدا باطل و فاقد اثر می نماید. نتیجه اثر عطف به ماسبق شدن بطلان تکلیف طرفین قرارداد به استرداد آن چیزی است که در اثر قرارداد باطل به دست آورده اند. به علاوه، در صورت تحقق ارکان مسؤولیت مدنی، شخص مقصر، مسؤول جبران خسارات وارده نیز هست.

References:

- ۱- Adl, M. (۲۰۰۶). *Civil Law* (۲ ed.). Qazvin: Taha. (in persian)
- ۲- Al-e- Kashef Algheta, S. M. H. (۱۹۴۰). *Tahrir Almajallah* (Vol. ۱). Najaf:

- Mortazavvyah Publication.
- ۳- Amiri Qaem Maqami, A. (۱۹۹۹). *law of obligations* (۱ ed. Vol. ۲). Tehran: Mizan.(in persian)
- ۴- Bahrami ahmadi, H. (۲۰۰۲). *General Principles Of Contracts, Civil Law*(۳) (۱ ed.). Tehran: Mizan.(in persian)
- ۵- Boroojerdi Abdoh, M. (۲۰۰۱). *Civil Law* (۱ ed.). Tehran: Majd(in persian).
- ۶- Carbonnier, J. (۱۹۸۸). *Droit civil, Les obligations* (Vol. ۴). Paris: Presses universitaires de France.
- ۷- Colin, Capitant, & Julliot De la Morandière. (۱۹۶۶). *précis de Droit civil* (۳ ed. Vol. ۲). Paris: Dalloz.
- ۸- Cornu, G. (۱۹۹۲). *Vocabulaire juridique* (۳ ed.). Paris: Presses univecitaires de France.
- ۹- Doroodian, H. a. (۱۹۹۴). *Civil Law* (۳). Faculty of Law and Political Sciences. University of Tehran. Tehran.(in persian).
- ۱۰-Emami, S. H. (۱۹۹۵). *Civil Law* (۱۲ ed. Vol. ۴). Tehran: Eslamyyeh.(in persian).
- ۱۱-Flour, J., Aubert, J. L., & Savaux, É. (۲۰۰۲). *Les obligations, L'acte juridique*. In A. Colin & Delta (Eds.), (۲ ed.). Paris.
- ۱۲-Ghabooli dorafshan, S. M. M. (۲۰۰۷). *The External Effects of Contract in the Iranian Law with Comparative Study of France Law*. Ph.D., University of Tehran, Tehran.(in persian).
- ۱۳-Ghestin, J., Jamin, C., & Billiau, M. (۲۰۰۱). *Traité de Droit Civil, Les effets du contrat* (۳ ed.). Paris: LGDJ.
- ۱۴-Haeri Shahbaq, S. A. (۲۰۰۲). *Explanation of Civil Law* (۱ ed. Vol. ۱). Tehran: ganjedanesh.(in persian).
- ۱۵-Jafari Langroudi, M. J. (۱۹۶۱). *The effect de volition in the Civil Law*. Ph.D., University of Tehran, Tehran. (in persian).
- ۱۶-Katouzian, N. (۱۹۹۷). *Iranian Civil Law, General Principles Of Contracts* (Vol. ۲). Tehran: Enteshar Publication Co.(in persian).
- ۱۷-Marty, G., & Raynaud, P. (۱۹۸۸). *Droit civil, les obligations* (۲ ed. Vol. ۱). Paris: Sirey.
- ۱۸-Mazeauds, H. L. e. J., & Chabas, F. (۱۹۸۵). *leçons de Droit civil* (۷ ed. Vol. ۲). Paris: Éditions Montchrestien.
- ۱۹-Mohseni, S. (۲۰۰۷). *Mistake in the Party to the Contract with Comparative in Islamic Jurisprudence, Iran and French Law*,. Ph.D., Imam Sadiq University, Tehran. (in persian).
- ۲۰-Safaei, S. H. (۲۰۰۷). *Articles on Civil Law and Comparative Law* (۲ ed.). Tehran: Mizan.(in persian).

- ۲۱-Shahidi, M. (۲۰۰۲). *Civil Law, Principles Of Contracts and Obligations* (۲ ed.). Tehran: Majd.(in persian).
- ۲۲-Simler, P., & Delebecque, P. (۱۹۹۵). *Droit civil, Les sûretés, La publicité foncière* (۲ ed.). Paris: Dalloz.
- ۲۳-Veaux, D. (۱۹۹۶a). *Jurisclasseur Civil, Fascicule ۱۲۲ et ۱۲۳*. Paris: Éditions du Juris-Classeur.
- ۲۴-Veaux, D. (۱۹۹۶b). *Jurisclasseur Civil, Fascicule ۱۲۴ et ۱۲۵*. Paris: Éditions du Juris-Classeur.
- ۲۵-Veaux, D. (۱۹۹۶c). *Jurisclasseur Civil, Fascicule ۱۳۱ et ۱۳۲*: Éditions du Juris-Classeur.
- ۲۶-Weill, A., & Terré, F. (۱۹۸۰). *Droit Civil, les obligations* (۳ ed.). Paris: Dalloz.

Received: Jun ۲۷ ۲۰۱۰

Accepted: Jan ۲۴ ۲۰۱۱